



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَقْتِي كَمَا آيَهُ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ^۱ نازل شد پیامبر ﷺ به امیرالمؤمنین عليه السلام که کاملاً او را در تحت توجه تربیتی خود بزرگ نموده بود فرمود : از ناحیه خدا امر شده‌ام که بستگان نزدیک خود را دعوت به اسلام کرده و انذار کنم . غذایی برایم آماده کن و مقداری گوشت بپز .

علی عليه السلام می‌فرماید : بنی هاشم و بستگان پیامبر عليه السلام را شمردم ، چهل نفر بودند ، غذایی درست کردم که برای دو نفر یا سه نفر بیشتر کفایت نمی‌کرد ، پیامبر عليه السلام به من فرمود : ای علی غذا را بیاور ، غذا را به محضرش بردم ، مختصری از گوشت آن را با دندان مبارک جدا کرده و در ظرف غذا قرار دادند ، سپس قدحی شیر برای میهمانان آماده ساختم ، طبق امر پیامبر عليه السلام رفتم و آن چهل نفر را دعوت به طعام کردم ، آنان آمدند . همگی از آن غذا و شیر خوردند و سیر شدند ولی نصف غذا و شیر باقی ماند ... در این هنگام پیامبر عليه السلام برخاست ، تا قصد کرد که سخن بگوید ابولهب اعتراض کرد و گفت : آیا برای این ما را به این‌جا دعوت کردی ؟ سپس سخنان درشت دیگری بیان کرد و خطاب به جمع حاضر گفت : بلند شوید . همه بلند شدند و رفتند و مجلس به هم خورد .

۱. شعراء ۲۱۴ : بستگان خود را دعوت به اسلام نما و بترسان .



وقتی که فردای آن روز شد ، پیامبر ﷺ به من فرمودند : همانند روز قبل غذا و شیر مهیا کن ، غذا و شیر را آماده کردم و طبق دستور پیامبر ﷺ همان مهمانان را دعوت کردم ، پس از صرف غذا رسول خدا ﷺ برخاست که سخن بگوید ، اما با اعتراض ابولهب مواجه گردید ، در این هنگام حضرت ابوطالب رضی الله عنه خطاب به ابولهب چنین گفت :

ای پست فطرت خاموش باش ، تو را به محمد ﷺ چه کار ؟

به دستور ابوطالب رضی الله عنه هیچ کس از مجلس برنخاست و ابوطالب به پیامبر ﷺ رو کرد و گفت : ای آقای من در مورد آنچه دوست داری سخن بگو ، رسالت پروردگار خود را ابلاغ کن که تو راستگو و تصدیق شده هستی .

پیامبر ﷺ به آنان رو کرد و فرمود : آیا اگر من به شما بگویم که در پشت این کوه سپاهی از دشمن است و قصد سرکوبی شما را دارد ، گفتار مرا باور می کنید ؟ همه آنان گفتند : تو امین و راستگو هستی ، البته دروغ نمی گویی ، در این هنگام پیامبر ﷺ به آنان فرمود : خداوند یکتای جبار را بپرستید . این همه شریک و همتا برای خدا درست نکنید و مخلصانه به عبادت خدای بی همتا مشغول شوید ، رسالت مرا تصدیق نمایید ، من از طرف خدا به عنوان رسول و پیامبر به سوی شما و همه انسانها آمده ام ، عزت دنیا و آخرت را برای شما آورده ام . امیرالمؤمنین رضی الله عنه می فرماید : بستگان پیامبر ﷺ بلند شدند و رفتند و گویا موعظه پیامبر ﷺ در دل آنان اثر نموده بود ^۲ .

^۲ . الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف ج ۱ فصل فی ایمان ابی طالب رضی الله عنه ص ۲۹۹ و ۳۰۰ .



بررسی این حدیث

👉 **سید بن طاووس**^۳ رحمته الله : می بینم که مخالفان مجدّانه اظهار می دارند که ابوطالب علیه السلام عمو و سرپرست پیامبر صلی الله علیه و آله در حال کفر از دنیا رفت و آن همه اخبار صحیحی که حاکی از ایمان ابوطالب علیه السلام هست را نادیده گرفته و تکذیب کرده اند و گواهی دودمان پیامبر خود را که طبق روایات خودشان از کتاب خدا جدا نیستند ، رد می کنند ، با این که ائمه اطهار علیهم السلام و علماء عترت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به اتفاق رأی می گویند ابوطالب علیه السلام ایمان داشت ، باز می بینیم که پیروان مذاهب چهارگانه اهل تسنّن ایمان ابوطالب علیه السلام را انکار کرده و هیچ مطلبی را همانند آن مورد انکار قرار نمی دهند .

اینک به بیان قسمتی از روایاتی که اهل تسنّن در مورد ایمان ابوطالب علیه السلام نقل کرده اند که از نظر لفظ یا معنا ، با صراحت یا با اشاره دلالت بر ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام می کند می پردازیم تا روشن شود که عامل این نسبت ناروا فقط دشمنی با فرزندش علی بن ابی طالب علیه السلام و بنی هاشم بوده است .

از جمله آن روایات حدیثی است که ابی عمرو محمد بن عبدالواحد طبری لغوی نقل می کند . . . ابن عباس می گوید : **هَنَگَامِي كِه آيَه وَ اَنْذِرَ عَشِيْرَتَكَ الْاَقْرَبِيْنَ** نازل شد

۳ . سید بن طاووس متوفای ۶۶۴ هـ . ق از بزرگان علمای شیعه امامیه است و دارای تألیفات بسیاری است که اغلب آن ها درباره دعا ، عبادات ، تهذیب نفس و سایر وظایف دینی می باشد .

قسمتی از بیانات ایشان در این مجموعه ذکر می گردد . خوانندگان محترم برای اطلاع از دیدگاه ایشان به صورت مبسوط ، می توانند به کتاب الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف ، ج ۱ ، فصل فی ایمان ابی طالب علیه السلام ص ۲۹۷ تا ۳۰۷ مراجعه نمایند .



پیامبر ﷺ به امیرالمؤمنین ﷺ فرمودند : از ناحیه خدا مأمور شدم که بستگان نزدیک خود را دعوت به اسلام کرده و اِذار نمایم ، غذایی برایم آماده کن . . .^۴

عالم جلیل‌القدر و دانشمند بزرگ شیعه سید بن طاووس رحمته در ادامه می‌فرماید : به راستی اگر در شأن حضرت ابوطالب ﷺ در منابع اهل سنت جز این حدیث نبود ، همین حدیث برای اثبات ایمان و جلالت قدر او کافی بود ، از این رو که حضرت ابوطالب ﷺ در آن شرائط دشوار و حساس سبب شد تا رسول اکرم ﷺ رسالت خود را ابلاغ کند ، آن‌جا که به حضرتش عرض کرد : رسالت پروردگار خود را ابلاغ کن ، همانا تو راستگو و تصدیق شده هستی .

با ذکر این حدیث دیگر نیازی نیست که به بیان احادیث دیگر پردازیم و اگر احادیث دیگری را در کتابم می‌آورم به خاطر تأیید و تقویت حجت و دلیل است.^۵

اهل تسنن و حضرت ابوطالب ﷺ

پیروان مذهب امامیه بالاتفاق . . . حضرت ابوطالب ﷺ را مسلمان می‌دانند و عدم اظهار ایمان آن حضرت را حمل بر مصلحت یاری پیامبر ﷺ و خصوصاً در ایام محاصره در شعب می‌کنند همانند مؤمن آل فرعون^۶ ، ولی اهل سنت گروهی قائل به ایمان آن

^۴ . متن این حدیث در ابتدای همین جلد به صورت مبسوط ذکر گردید .

^۵ . الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف ، ج ۱ فصل فی ایمان ابی طالب ﷺ ص ۲۹۸ تا ۳۰۰ . قسمتی از این روایت در کتاب الغدیر ج ۷ ص ۳۵۴ و ۳۵۵ ذکر گردیده است .

^۶ . مؤمن آل فرعون : یکی از نزدیکان فرعون که به موسی ﷺ ایمان آورد اما ایمان و عقیده قلبی خود را آشکار نمی‌کرد تا



حضرت و گروهی بر کفر و عده‌ای متوقفند . . .^۷

دیدگاه اول اهل تسنن

جمعی از علماء اهل سنت معتقد به ایمان ابوطالب علیه السلام هستند مانند :

احمد بن زینی دحلان ، محمد بن رسول برزنجی ، علیّ أجهوری ، ابو جعفر إسکافی ، ابوالقاسم بلخی ، ابن وحشی ، تلمسانی ، شعرانی ، قرطبی ، سبکی ، ابوطاهر ، سیوطی ، سحیمی و غیر آنان .

بلکه بعضی از آنان مانند ابن وحشی و أجهوری و تلمسانی حکم نموده‌اند : کسی که با ابوطالب دشمنی ورزد کافر است یا کسی که از او بدگویی نماید کافر است^۸.

۱ . احمد بن زینی دحلان^۹

عبارت اول : درباره ابوطالب علیه السلام حدیثی به سند صحیح نرسیده که برساند او بت پرست بوده یا سنگی را عبادت کرده باشد یا پیامبر صلی الله علیه و آله را از عبادت پروردگارش منع کرده باشد . . .^{۱۰}

عبارت دوم : . . . معلوم است که جسارت به مقام ابوطالب علیه السلام موجب ایذاء و آزار رسول

بتواند حضرت موسی علیه السلام را یاری نماید و از این طرف جان خود را نیز حفظ کند و در سوره غافر آیه ۲۸ به او اشاره شده است .

^۷ . آیت‌الله سیدجواد مدرسی ، نقدی بر مثنوی ص ۲۰۵ .

^۸ . برگرفته از الغدیر ج ۷ ص ۳۷۰ ، ۳۸۵ . ابوطالب مؤمن قریش خلاصه القول فی ایمان اَبی طالب ص ۴۱۱ و ۴۱۲ .

^۹ . از علماء اهل تسنن و مفتی شافعیان در مکه مکرمه و امام جماعت مسجد الحرام ، متوفای ۱۸۸۶ میلادی بوده است . . .

^{۱۰} . أسنی المطالب فی نجات اَبی طالب ص ۴۸ .



خدا صلی الله علیه و آله می گردد و اذیت آن حضرت حرام مؤکد است ، چنان که آیه مبارکه :

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا^{۱۱}، و

همین طور آیه وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^{۱۲}، دلالت بر حرمت اذیت و آزار

رسول اکرم صلی الله علیه و آله دارد^{۱۳}.

دشمنی با ابوطالب علیه السلام کفر است

احمد بن زینی دحلان در ادامه می گوید : شایان ذکر است ، گفتار امام احمد بن حسین

موصلی حنفی مشهور به ابن وحشی در شرحی که بر کتاب شهاب الأخبار^{۱۴} نوشته است :

شارح مذکور (ابن وحشی) می گوید : دشمنی با ابوطالب کفر است^{۱۵}. و به این مطلب

علامه علی الأجهوری از ائمه مالکیه در فتاوی خود و تلمسانی در حاشیه ای که بر کتاب

شفاء نوشته است تصریح نموده اند^{۱۶}.

دشمنی با ابوطالب علیه السلام موجب آزار پیامبر صلی الله علیه و آله

احمد بن زینی دحلان در ادامه می گوید : تلمسانی گوید : سزاوار نیست درباره

^{۱۱} . احزاب ۵۷ : آنان که خدا و رسول خدا را آزار و اذیت می کنند ، خداوند آن ها را در دنیا و آخرت لعنت کرده و از رحمت خود

دور نموده و برای آنان عذابی با ذلت و خواری مهیا ساخته است .

^{۱۲} . توبه ۶۱ : برای کسانی که رسول خدا را آزار دهند عذاب دردناک مهیا است .

^{۱۳} . أسنی المطالب فی نجات ابی طالب ص ۶۰ .

^{۱۴} . این کتاب تألیف محمد بن سلامة القضاعی است که در سال ۴۵۴ هـ . ق وفات نموده است .

^{۱۵} . إن بغض ابی طالب کفر .

^{۱۶} . أسنی المطالب فی نجات ابی طالب ص ۶۰ .



ابوطالب علیه السلام غیر از حمایت‌های او از پیامبر نقل گردد. زیرا که او با گفتار و عمل از رسول خدا صلی الله علیه و آله حمایت نموده و حضرت را یاری کرد و سخن گفتن به کلام ناپسند و بدگویی در خصوص حضرت ابوطالب علیه السلام موجب آزار و اذیت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد. و اذیت کننده پیامبر صلی الله علیه و آله کافر است و کافر باید کشته شود.

ابوطاهر هم گفته: هر کس ابوطالب را دشمن بدارد او کافر است^{۱۷}.
به طور خلاصه اذیت رسول خدا صلی الله علیه و آله موجب کفر است و باید مرتکب آن کشته شود.
و به عقیده مالکیه اذیت کننده آن حضرت، قتلش واجب است هر چند توبه نماید^{۱۸}.

حضرت ابوطالب علیه السلام و تدبیر سیاسی با قریش

احمد بن زینی دحلان می‌گوید: خداوند متعال حضرت ابوطالب علیه السلام را بر بسیاری از آیات و معجزات و کارهای خارق‌العاده آگاه نموده بود که مخصوص رسول خدا صلی الله علیه و آله از دوران طفولیت حضرت تا انتهای عمر شریفشان بوده است.

در اثر علم و اطلاعی که ابوطالب علیه السلام از آیات و معجزات نبوی داشت، قلب ایشان مالا مال و لبریز از ایمان و تصدیق به رسالت و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله بود، آن هم ایمانی که کوچک‌ترین شبهه و تردیدی در آن نیست. ولی حضرت ابوطالب به جهت شدت اهتمام در حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله و حمایت و حفاظت آن حضرت از آزار و اذیت‌های قریش ایمان خود را آشکار نکرد و در ظاهر از پیامبر صلی الله علیه و آله متابعت نمود.

^{۱۷} . قال ابوطاهر: من أبغض اباطالب فهو كافر.

^{۱۸} . أسنى المطالب فى نجات ابى طالب ص ۶۰ و ۶۱.



ایشان خود را هم کیش قریش معرفی می کرد تا آنان توان مخالفت با او را نداشته باشند ، کسی که این مطلب را دانست و از باطن و حقیقت امر آگاه شد شکی در ایمان ابوطالب علیه السلام نخواهد داشت .

آن حضرت به خاطر یاری پیامبر صلی الله علیه و آله ، با قریش تدبیری سیاسی نمود تا این که امر پیامبر صلی الله علیه و آله کامل شد و دعوتش آشکار گردید .

آن بزرگوار تصریح به نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله در بسیاری از اشعارش نموده است ، گاه در اشعارش الفاظی را به کار می برد که توهم می شود او با قریش است و هم کیش آنان می باشد در حالی که این سیاستی بوده که حضرت ابوطالب علیه السلام در مقابل قریش به کار بسته تا بتواند پیامبر صلی الله علیه و آله را محافظت و حمایت نماید .

از جمله اشعارش که دلالت دارد بر این که ایشان تصدیق به نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله داشته این شعر است :

أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّا وَجَدْنَا مُحَمَّدًا
رَسُولًا كَمُوسَى صَحَّ ذَلِكَ فِي الْكُتُبِ^{۱۹}

این بیت از جمله قصیده‌ای طولانی است که آن را در زمان محاصره قریش در شعب اَبی طالب سروده است . این شعر قصیده‌ای طولانی و بلیغ و غرّاء است که از نهایت محبت و علاقه ابوطالب علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله و ایمان به رسالت او ، و شدت حمایت و فداکاری در مقام دفاع از آن حضرت حکایت می کند^{۲۰} .

^{۱۹} . ای قریش آیا نمی دانید که ما محمد صلی الله علیه و آله را مانند موسی علیه السلام پیامبر و رسول می دانیم و نام و نشان او در کتاب های آسمانی

آمده است و مورد تصدیق قرار گرفته است .

^{۲۰} . أسنى المطالب فى نجاته أبى طالب ص ۲۲ و ۲۳ .



۲ . محمد بن رسول برزنجی^{۲۱}

أخبار به حد تواتر رسیده است که ابوطالب علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست می داشت و از او محافظت و حمایت می نمود . و او را در تبلیغ دین یاری می کرد و سخن آن حضرت را تصدیق می نمود و اولاد خود مانند جعفر و علی را به اطاعت و تبعیت و یاری آن حضرت امر می نمود . و در مدح رسول خدا صلی الله علیه و آله اشعاری سروده است که دلالت بر تصدیق نبوت آن حضرت دارد و در آن به حقانیت دین اسلام تصریح نموده است . این شعر معروف از گفتار او می باشد :

وَلَقَدْ عَلِمْتُ بِأَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ
مِنْ خَيْرِ أَدْيَانِ الْبَرِيَّةِ دِينًا^{۲۲}

و در شعر دیگر می گوید :

أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّا وَجَدْنَا مُحَمَّدًا
رَسُولًا كَمُوسَى صَحَّ ذَلِكَ فِي الْكُتُبِ^{۲۳}

و حضرت ابوطالب علیه السلام به قریش و بنی هاشم در موارد متعدد وصیت می کند که از رسول خدا صلی الله علیه و آله تبعیت نمایند . هنگامی که وفات ابوطالب علیه السلام نزدیک شد ، بزرگان قریش نزد او جمع شدند و حضرت ابوطالب علیه السلام آنان را وصیتی طولانی نمود که فرازی از آن وصیت این چنین است^{۲۴} : . . . شما را به نیکی در حق محمد صلی الله علیه و آله سفارش می کنم ، چرا که او

^{۲۱} . از علمای اهل سنت متوفای ۱۱۰۳ که تألیفی در باب ایمان والدین پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت ابوطالب علیه السلام دارد .

^{۲۲} . من به یقین دانستم که دین محمد صلی الله علیه و آله از بهترین ادیان است که مردم به آن گرویده اند .

^{۲۳} . آیا ندانستید ما محمد را رسولی مانند موسی یافتیم که کتب آسمانی رسالت او را تأیید نموده است .

^{۲۴} . خوانند شاه شافعی از علماء و مورخین اهل سنت نیز در تاریخ روضة الصفا ج ۲ بخش اول فصل ذکر فوت ابوطالب و موت

خدیجه ص ۱۱۳۲ و ۱۱۳۳ این وصیت را نقل می نماید . همچنین می توانید به الغدیر ج ۷ ص ۳۶۶ و ۳۶۷ مراجعه نمایید .



امین قریش است و راستگوی عرب و جامع آنچه شما را بدان وصیت نمودم . او برای ما حامل پیام و رسالتی بود که قلب و روح آن را می پذیرد ولی زبان از ترس بدگویان انکارش می نماید . . .

ای قریشیان دوستدار او و حامی حزبش باشید ، به خدا سوگند کسی راه او را نمی پیماید مگر این که به رشد دست یابد و کسی به هدایتش چنگ نمی زند مگر آن که سعادت مند می شود و اگر برای من عمری باقی بود و مرگم به تأخیر می افتاد در بلاها و سختی ها پشتیبان و حامی او بودم . . .^{۲۵}

۳ . سلیمان قندوزی حنفی^{۲۶}

او در کتابش ، نامه و رساله ای را از عمر بن بحر جاحظ بصری معتزلی در فضیلت اهل بیت علیهم السلام نقل می نماید . فرازی از عبارات این رساله کلامی است که عمر بن بحر در تأیید گفتار خود از علی علیه السلام بیان می کند : از ما اهل بیت است . . . حامی پیامبر و کمک کار و یاور و دوستدار شدید او و سرپرست و مربی او و اقرار کننده به نبوتش و معترف به رسالت آن حضرت و سراینده اشعار بسیار در مناقب و فضائل آن حضرت ، بزرگ قریش ابوطالب علیه السلام . . .^{۲۷}

^{۲۵} . أسنی المطالب فی نجاته أبي طالب ص ۱۰ تا ۱۲ .

^{۲۶} . مؤلف کتاب ینابیع المودة

^{۲۷} . . . قال علی کرم الله وجهه علی منبر الجماعة : نحن اهل البيت لا يقاس بنا أحد من الناس يقوم منهم رسول الله صلی الله علیه و آله . . . و حامی النبی و معینه و محبه أشد حبا و کفيله و مربیه و المقرّب نبوته و المعترف برسالته و المنشد فی مناقبه آیاتاً کثیرة شیخ قریش



۴ . اقرار خاوند شاه شافعی^{۲۸}

... ابوطالب شعب را استوار کرده ، در هیچ وقتی از محافظت حضرت مقدس نبوی صلی الله علیه و آله تغافل و تساهل جایز نداشتی و چون آفتاب عالم تاب در شعب مغرب متواری گشتی ، شمشیر حمایل کردی و در گرد خانه حضرت رسول صلی الله علیه و آله که در آن جا خفته بودی طواف نمودی و گاهی آن حضرت را از جایی که در اوائل شب در آن موضع که به استراحت مشغول شدی بیرون آوردی و در خانه دیگر خوابانیدی و در روز پسران و پسر زادگان خود را می فرمود تا به صیانت سید ولد آدم صلی الله علیه و آله اشتغال می نمودند ، با وجود محافظت و خدمتی چنین بعضی می گویند که ابوطالب کافر مرد ، حاشا^{۲۹} .^{۳۰}

👉 **علاءه مجلسی رحمته الله :** ابن اثیر در جامع الاصول می گوید : بنا بر اعتقاد اهل بیت علیهم السلام از عموهای پیامبر صلی الله علیه و آله فقط حمزه و عباس و ابوطالب اسلام آوردند . . . و ابن بطریق در مستدرک خود دلائل بسیاری بر ایمان ابوطالب علیه السلام ذکر نموده است^{۳۱} .

نقل این عبارت از ابن دو عالم اهل سنت سلیمان قندوزی حنفی و عمر بن بحر جاحظ دلالت می کند بر این که حضرت ابوطالب علیه السلام ایمان به نبوت و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله داشته است .

^{۲۸} . از علما و مورخین اهل سنت صاحب تاریخ روضة الصفا .

^{۲۹} . حاشا : هرگز .

^{۳۰} . تاریخ روضة الصفا فی سیرة الأنبياء و الملوك و الخلفاء ج ۲ بخش اول از بعثت تا هجرت ، ذکر اتفاق جمعی از جهود ظلوم در مخاصمه بنی الهاشم و بنی المطلب و احوال این دو طبقه در شعب ابی طالب ص ۱۱۲۷

^{۳۱} و قال ابن الأثیر فی جامع الاصول : و ما أسلم من أعمام النبی صلی الله علیه و آله غیر حمزة و العباس و أبی طالب عند أهل البيت علیهم السلام . . . و ذکر ابن بطریق فی المستدرک دلائل کثیرة علی ایمانه . . .



دیدگاه دوم اهل سنت

اکثریت اهل سنت با وجود قرائن و دلایل بسیار بر ایمان حضرت ابوطالب رضی الله عنه منکر ایمان آن حضرت گردیده‌اند مانند : عبدالرحمن جامی

عبد الرحمن بن احمد بن محمد دشتی ، ملقب به نورالدین جامی (ملای جامی) ، سنی حنفی اشعری مذهب ، یکی از سران مکتب منحرف صوفیه و تابع فرقه نقشبندیه بوده است .

او تعصب بسیاری نسبت به مذهب اهل تسنن دارد^{۳۲} و با شیعه دشمن بوده و بغض خود را در اشعارش با بدگویی به حضرت ابوطالب رضی الله عنه آشکار نموده است .

دشمنی جامی با حضرت ابوطالب رضی الله عنه

چون ندارد قرابت دینی	دم زند از قرابت طینی
نسبت جان و گل چو باشد سست	نسبت آب و گل چه سود درست
بود بوطالب آن تهی زطلب	مر نبی را عم و علی را آب ^{۳۳}
خویش نزدیک بود با ایشان	نسبت دین نیافت با خویشان
هیچ سودی نداشت آن نسبش	شد مقر در سقر ^{۳۴} چو بو لهبش ^{۳۵}

^{۳۲} . البته جامی بنا بر مسلک و عقیده انحرافی و به اصلاح عرفانیش ، گاه در اشعارش معتقد است که من به هیچ مذهبی پایبند نیستم ،

مانند : ای مغیچه دهر بده جام میم

کآمد ز نزاع سنی و شیعه قییم

گویند که جامیا چه مذهب داری ؟

صد شکر که من سگ سنی و خر شیعه نیم

عرفان حقیقی ، دکتر علی رضا فقیهی ص ۱۳۹

^{۳۳} . عم : عمو ، آب : پدر

^{۳۴} . مقر : جایگاه . سقر : جهنم ، یکی از طبقات جهنم .

^{۳۵} . مثنوی هفت اورنگ ، دفتر اول ص ۱۵۱ .



قاضی میرحسین میبیدی که معاصر جامی بوده در مذمت و نکوهش جامی چنین سروده است :

آن امام بحق ولیّ خدا	أسد الله غالبش نامی
دو کس او را به جان بیازردند	یکی از ابلهی یکی از خامی
هر دو را نام عبد رحمان است	آن یکی ابن ملجم این جامی ^{۳۶}

جامی از سر عنادی که با شیعه دارد ، برای تخریب تشیع در قالب حکایت و داستان با تمام بی انصافی و مکر ، تهمت بسیار زشت و ناروایی را به شیعه می زند که دل تمام شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام را به درد می آورد .

او عقیده شیعه را درباره امام متقین حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چنین تحریف کرده و به نظم درآورده است .

شیعه پیش سنی فاضل	گفت کای در علوم دین کامل
بازگو رمزی از علیّ ولیّ	که ترا یافتم ولیّ علیّ
گفت کای در ولای من واهی	از کدامین علیّ سخن خواهی
ز آن علیّ کش تویی ظهیر و معین	یا از آن کش منم رهی و رهین
گفت : من گر چه اندکی دانم	در عالم علیّ یکی دانم
شرح این نکته را تمام بگوی	آن کدام است و این کدام بگوی
گفت : آن کو بود برگزیده تو	نیست جز نقش نوکشیده تو
پیکری آفریده ای به خیال	گذرانیده ای بر او احوال
پهلوانی بروت مالیده ^{۳۷}	بهر کین در دغا سگالیده ^{۳۸}
گر بزی ^{۳۹} پر تهوّر و بی باک	کینه جوی و مفتن و سفاک

^{۳۶} . ریحانة الادب ج ۱ ص ۳۹۰ .

^{۳۷} . بُروت : مویی که روی لب مرد می روید ، سیبیل .

^{۳۸} . دغا : نادرست ، ناراست ، دغل * سگالیدن : اندیشیدن ، فکر کردن ، پنداشتن .



و نیز می گوید :

فارع از دین و کیش چون من و تو	بنده نفس خویش چون من و تو
برده تا دوش و دورش افکنده	در خبیر به زور خود کنده
شد ابوبکر در میان حائل	بخلافت دلش بسی مایل
لیکن آن بر عمر گرفت قرار	بعد بوبکر خواست دیگر بار
شد خلافت نصیب یار دگر	چون از این دار رخت بر بست عمر
همه غالب شدند و او مغلوب	در تک و پوی بهر این مطلوب
اسدالله غالبش خوانی	با چنین وهم و ظن ز نادانی

سپس جامی در ادامه اشعارش با فریب کاری عقیده اهل سنت را درباره علی علیه السلام به نظم در می آورد و در ادامه چنین می سراید :

عین بوبکر بود و عین عمر	این علی در کمال خلق و سیر
زشت باشد زدوست لعنت دوست	لعن ایشان مکن که لعنت اوست
رافضی ^{۴۰} را باو مشابیهتی	نیست در هیچ معنا و جهتی
ز آنکه موهوم اوست در خور او	او به موهوم خویش دارد رو
خاطر از مهر او خراشیده ^{۴۱}	علیی بهر خود تراشیده

قاضی نورالله شوشتری (شیعه تراش) با آن همه حسن ظن و خوش بینی که نسبت به علمای عامه داشت و اکثر ایشان را شیعه اثنی عشری می پنداشت جامی را از متعصبین

نواصب ایشان می داند^{۴۲} .^{۴۳}

^{۳۹} . گربزی : حیلہ گری ، دلاوری ، دلیری * تهوّر : گستاخی ، بی باکی و بی پروایی * مفتن : فتنه انگیز ، آشوبگر * سفاک : بسیار خونریز .

^{۴۰} . شیعه .

^{۴۱} . مثنوی هفت اورنگ ، دفتر اول سلسله الذهب ص ۵۰ تا ۵۲ .

^{۴۲} . ریحانة الادب علامه میرزا محمد علی مدرس . ج ۱ ص ۳۹۰ .

^{۴۳} . قاضی نورالله در کتاب مجالس اکثر سنیان و صوفیان را شیعه و خوب دانسته مگر ملاجمی را که او را سنی دانسته است .



☑ آیا ملای جامی را همانند مولوی و ابن عربی (با وجود این همه عداوت و دشمنی که با حضرت ابوطالب عليه السلام از خود نشان می دهد) ، باید مورد تعریف و تمجید قرار داد و گاهی پا را از گلیم درازتر نموده و او را به شیعه چسباند ؟

گویا این که با چسباندن و رچسب تشیع به چنین افرادی ، دیگر انحرافات و کجروی های آنان از چشم انسان های حقیقت گرا و موحد پنهان می ماند .

امامان شیعه عليه السلام پیروان خود را از علمای منحرف و سوء برحذر داشته اند ، هر چند آن عالمان ، شیعه باشند .

ابن حجر ، ابن کثیر ، ابن عربی ، مولوی و ...

از جمله کسانی که مانند جامی منکر ایمان حضرت ابوطالب عليه السلام شده اند ، بخاری در کتاب صحیح بخاری^{۴۴} و مسلم در کتاب صحیح مسلم^{۴۵} و احمد بن حنبل در مسندش^{۴۶} و ابن حجر عسقلانی در کتاب الإصابة فی تمییز الصحابة^{۴۷} و ابن کثیر دمشقی در کتاب البداية و النهاية^{۴۸} می باشند .

همچنین ابن عربی و ملای رومی نیز منکر ایمان حضرت ابوطالب عليه السلام گردیده اند^{۴۹}.

^{۴۴} . صحیح البخاری ج ۲ جزء ۵ باب قصة أبي طالب ص ۶۵ و ۶۶ .

^{۴۵} . صحیح مسلم بشرح النووی ج ۱ ص ۲۱۴ تا ۲۱۶ (وفات أبي طالب و ما نزل فی شأنه) و ج ۳ ص ۸۴ و ۸۵ التخفیف عن أبي طالب .

^{۴۶} . مسند احمد بن حنبل ج ۱ ص ۲۰۶ و ۲۰۷ .

^{۴۷} . الإصابة فی تمییز الصحابة ج ۴ ص ۱۱۵ تا ۱۱۹ .

^{۴۸} . البداية و النهاية ج ۲ جزء سوم ص ۱۲۰ تا ۱۲۴ .

^{۴۹} . در پیام دین (حضرت ابوطالب عليه السلام ج ۲ و ۳) ، به بررسی افکار آن دو در این زمینه پرداختیم .



دیدگاه سوم اهل تسنن

برخی از اهل سنت درباره ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام متوقف می‌باشند ، مانند :

ابن ابی‌الحدید : مردم درباره ایمان ابوطالب علیه السلام اختلاف نظر دارند ، شیعه امامیه و اکثر

زیدیه^{۵۰} می‌گویند : ابوطالب در حالی که مسلمان بود از دنیا رفت ، بعضی از بزرگان ما

از معتزله^{۵۱} که از جمله آنان شیخ ابوالقاسم بلخی و ابوجعفر اسکافی و غیر آن دو هست

نیز همین نظر را دارند ...^{۵۲}

عبارت دوم : من در این باره نمی‌توانم اظهار نظر کنم مطلب مشکل و پیچیده‌ای است ،

روایات درباره ایمان ابوطالب مختلف و متعارضند و خداوند دانایانتر است به حال او ... و

من در امر او از متوقفین هستم ...^{۵۳}

عبارت سوم : بعضی از طالبیین^{۵۴} در این عصر کتابی درباره اسلام ابوطالب تألیف نموده

^{۵۰} . زیدیه فرقه‌ای است که پس از امام علی و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام به امامت زید فرزند امام سجاد معتقدند و امام سجاد

علیه السلام و سایر امامان بعدی شیعه را امام نمی‌دانند بلکه تنها آنان را به عنوان پیشوایان علم و معرفت می‌پذیرند . زیدیه شرط

امام بودن را مبارزه مسلحانه می‌دانند لذا آنان به امامت امام سجاد علیه السلام و دیگرانی که به جهاد علنی نپرداختند اعتقاد ندارند ،

در عوض زید و یحیی بن زید و محمد بن عبدالله (نفس زکیه) و عده‌ای دیگر را که به جهاد پرداختند امام می‌دانند .

آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی ص ۹۲ و ۹۳

^{۵۱} . معتزله دسته‌ای از متکلمان به پیشوایی واصل بن عطا هستند و دارای مبانی اعتقادی خاصی می‌باشند ... به آشنایی با فرق و

مذاهب اسلامی ص ۱۰۹ مراجعه نمایید .

^{۵۲} . شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید ج ۱۴ اختلاف الرأی فی ایمان ابی‌طالب ص ۶۵ و ۶۶ .

^{۵۳} . شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید ج ۱۴ اختلاف الرأی فی ایمان ابی‌طالب ص ۸۲ .

^{۵۴} . مراد از بعض طالبیین ، سید فخار بن معد موسوی می‌باشد که یکی از علماء و حدیث شناسان بزرگ شیعه ، متوفای ۶۰۳ هـ . ق



است ، آن را برای من فرستاد و از من خواسته بود تا با خط خود به شعر یا نثر به صحت و درستی کتاب و استواری أدله آن گواهی دهم .

در میان بن بست قرار گرفتم ، چه آن که نمی توانستم در این باره به طور قاطع اظهار نظر نمایم ، از این رو که من درباره ایمان ابوطالب توقّف نموده ام و از طرفی هم به خود اجازه نمی دادم که از تجلیل و تعظیم ابوطالب علیه السلام صرف نظر کنم ، زیرا به خوبی می دانم که اگر ابوطالب نبود هیچ یک از پایه های اسلام استوار نمی ماند ، و نیز می دانم که ابوطالب علیه السلام بر گردن همه مسلمانان حق دارد و ادای حق او در دنیا تا روز قیامت واجب است ، از این رو این اشعار را در پشت آن کتاب نگاشتم^{۵۵} .

ترجمه شعر ابن اَبی الحدید

• اگر ابوطالب و فرزندش علی علیه السلام نبودند دین اسلام استوار و پایرجا نمی شد ، و قوامی نداشت .

• ابوطالب علیه السلام در مکه پیامبر را حمایت همه جانبه کرد و علی علیه السلام در مدینه با شجاعت خود به اسلام حیات و شخصیت بخشید .

است و مقصود از کتابی که برای ابن اَبی الحدید فرستاده کتاب الحجّة علی الذاهب الی تکفیر اَبی طالب است که آن را در مورد

ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام نوشته است .
أعیان الشیعه ج ۸ ص ۳۹۳

^{۵۵} . و لولا ابوطالب و ابنه ، لما مثل الدین شخصاً فقاما . فذاک بمکة آوی و حامی ، و هذا بیثرب جسّ الحماما . تکفل عبید مناف بأمر ، و أودی فکان علی تماماً . فقل فی ثبیر مضی بعد ما ، قضی ما قضاه و أبقى شماما . فلهذا فاتحا للهدی ، والله ذا للمعالی ختاماً . و ما ضرّ مجد اَبی طالب ، جهول لغا أو بصیر تعامی . کما لا یضرّ إیاه الصباح ، من ظنّ ضوء النهار الظلاما .



• ابوطالب علیه السلام امر حمایت پیامبر صلی الله علیه و آله را به عهده گرفت و پس از رحلتش علی علیه السلام آن را به اتمام رسانید و تکمیل نمود . . .

• خداوند به ابوطالب علیه السلام جزای خیر دهد که راه هدایت را گشود و به علی علیه السلام جزای خیر دهد که آن را خاتمه داد و به اعلی مراتب آن رسانید .

• افکار افراد نادان و افراد بینایی که خود را به کوری می زنند به شخصیت ابوطالب علیه السلام ضرر نمی رساند ، همان گونه که اگر کسی روشنی صبح را تاریکی تصور کند به آن ضرر نمی زند .

ابن ابی الحدید در انتهای کلامش می گوید : حق احترام و تجلیل از مقام ابوطالب علیه السلام را اداء کردم با این که نظر قطعی درباره او از جهت ایمان و عدم ایمان ندارم و در این مسأله متوقف هستم ^{۵۶} .

مراسم دفن حضرت ابوطالب علیه السلام

👉 زمانی که ابوطالب علیه السلام از دنیا رفت ، رسول خدا صلی الله علیه و آله دنبال جنازه ایشان راه رفتند با آن که اهل سنت در این زمینه روایت نقل کرده و معتقدند : از راه رفتن در جنازه مشرک نهی شده است . همچنان که آنان روایت نقل می کنند : رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علی علیه السلام دستور داد تا ایشان را غسل دهد و کفن کرده و دفن نماید ^{۵۷} .

پیامبر صلی الله علیه و آله در حین تشییع بر سر جنازه عموی گرامی خود حضور یافت و با رقت و اندوه

^{۵۶} . شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۴ اختلاف الرأی فی ایمان ابی طالب ص ۸۳ و ۸۴ . همچنین ابن ابی الحدید در مقدمه شرح

نهج البلاغه خود ج ۱ ص ۲۹ در فضائل حضرت ابوطالب علیه السلام مطالبی بیان نموده است .

^{۵۷} . مدارک موضوع از کتب اهل سنت در کتاب الصحیح من سیرة النبی الاعظم ج ۳ فصل ۵ ص ۲۳۶ پاورقی ۳ ذکر گردیده است .



و غم فرمود : ای عمو صله رحم کردی و جزای خیر دریافت کردی . در کودکی (مرا) پرورش داده و سرپرستی نمودی . و در بزرگی کمک و یاریم نمودی .^{۵۸}

نامه امیر المؤمنین علیه السلام

✍ امیر المؤمنین علیه السلام نامه‌ای طولانی به معاویه (لعنة الله عليه) نوشته‌اند که در قسمتی از آن چنین آمده است^{۵۹} : . . . أمیه مانند هاشم نیست و حرب مانند عبدالمطلب نیست و ابوسفیان مانند ابوطالب نیست . . .^{۶۰}

زمانی که ابوطالب کافر باشد و ابوسفیان مسلمان ، چگونه علی علیه السلام کافر را بر مسلمان برتری می‌دهد و معاویه بن ابی‌سفیان آن را رد نمی‌کند و به حضرتش اعتراض نمی‌کند ؟ ولی حقیقت ماجرا عکس آن است ، همانا ابوسفیان کسی است که گفت : نمی‌داند بهشت و جهنم چیست . همچنان‌که این مطلب را در کتابمان الصحيح من سيرة النبي الأعظم در اواخر غزوه أحد ذکر نموده‌ایم^{۶۱} .

اندوه عظیم پیامبر صلی الله علیه و آله

✍ در منابع اهل سنت آمده است که : پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد ابوطالب علیه السلام در هنگام وفاتش ترخم کردند . و مکرراً استغفار نموده^{۶۲} و گریه و جزع و بی‌تابی کردند^{۶۳} .

^{۵۸} . الغدير ج ۷ ص ۳۸۶ ح ۳ .

^{۵۹} ليس أمية كهاشم ولا حرب كعبدالمطلب ولا ابوسفیان كأبي طالب . . . نهج البلاغه نامه‌ها ، نامه ۱۷ ص ۳۵۴

^{۶۰} . مدارک موضوع از کتب اهل سنت در کتاب الصحيح من سيرة النبي الاعظم ج ۳ فصل ۵ ص ۲۳۷ پاورقی ۲ ذکر گردیده است .

^{۶۱} . سيد جعفر مرتضى عاملی ، الصحيح من سيرة النبي الاعظم ج ۳ فصل ۵ ص ۲۳۷ و ۲۳۸ .

^{۶۲} . تردیدی نیست که دعا و استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حضرت ابوطالب علیه السلام ، مخصوصاً دعا و استغفار مکرراً و مجدانه آن حضرت



آری ترحم کردن برای غیر مسلمان صحیح نیست و به خاطر همین هم حضرت صلی الله علیه و آله به سفانه دختر حاتم طایی فرمودند : اگر پدرت مسلمان بود بر او ترحم می کردیم .^{۶۴} ^{۶۵}

✦ **خواوند شاه شافعی** : جمهور علماء برآنند که در سال دهم از بعثت ابوطالب فوت شد و اندوهی عظیم از این جهت بر ضمیر آنور حضرت رسول صلی الله علیه و آله استیلاء یافت و بعد از سه روز یا سی و پنج روز از فوت ابوطالب هم در این سال خدیجه کبری رضی الله عنها به ریاض جنان شتافت و اندوه آن حضرت از رحلت آن دو محب و مشفق به نهایت انجامید به مرتبه ای که از منزل مقدس میل بیرون آمدن نمی فرمود و آن سال را عام الحزن^{۶۶} نام نهادند .^{۶۷}

تحریر یک روایت

✦ اهل سنت گمان می کنند : وقتی ابوطالب رضی الله عنه وفات نمود ، علی رضی الله عنه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : عموی پیر گمراه تو مرد !^{۶۸} بلکه روایت می کنند امام علی رضی الله عنه امر و

از خداوند متعال مستجاب خواهد شد . و معلوم است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای کافر و مشرک دعا و استغفار نمی کنند آن چنان که قرآن

کریم در آیه ۱۱۳ سوره توبه پیامبر و اهل ایمان را از استغفار برای مشرکین نهی نموده است .

^{۶۴} . تذکرة الخواص معروف به تذکرة الخواص الامة فی خصائص الأئمة فصل فی ذکر والده ص ۸ .

^{۶۴} . مدارک موضوع از کتب اهل سنت در کتاب الصحیح من سیرة النبی الاعظم ج ۳ فصل ۵ ص ۲۳۳ پاورقی ۳ ذکر گردیده است .

^{۶۵} . سیدجعفر مرتضی عاملی ، الصحیح من سیرة النبی الاعظم ج ۳ فصل ۵ ص ۲۳۳ .

^{۶۶} . عام الحزن : سال غم و غصه . * ریاض جنان : باغ های بهشت

^{۶۷} . تاریخ روضة الصفا فی سیرة الانبیاء و الملوك و الخلفاء ج ۲ بخش اول عام الحزن ص ۱۱۳۸ .

^{۶۸} . قال له : إن عمك الشيخ الضال قد توفی .



دستور پیامبر ﷺ را در غسل و دفن ابوطالب ﷺ ترک نمود و آن را به دیگری واگذار کرد.^{۶۹} و ما می‌گوییم :

۱. احمد بن حنبل در مسندش روایت را چنین آورده است : عموی پیر شما از دنیا رفت و کلمه ضالّ و گمراه را ذکر نکرده است.^{۷۰}

۲. آنان چگونه این مطلب را توجیه می‌کنند که در بسیاری از مصادر و منابع آمده است : امام علی ﷺ خود متولّی غسل دادن حضرت ابوطالب ﷺ و دفن ایشان بوده است و حضرت امیرالمؤمنین ﷺ بعد از غسل دادن پدرشان ، غسل مسّ میت نمودند که با لمس بدن هر میتّ مسلمان غسل مسّ میت واجب می‌شود .

۳. اگر حضرت ابوطالب ﷺ مؤمن نبوده ، پس چرا پیامبر خدا ﷺ دستور به غسل او می‌دهد ، آیا کافر غسل داده می‌شود ؟

۴. این کلام چگونه مناسبت و هماهنگی دارد با این که رسول خدا ﷺ هنگام وفات ابوطالب ﷺ محزون و غمگین شدند و بر او ترخّم نمودند و دعا کردند و بر سر جنازه او حاضر شده و در تشییع جنازه او شرکت کردند با آن که اهل سنت روایت می‌کنند : شرکت در تشییع جنازه مشرک حرام است.^{۷۱}

۵. این که علی ﷺ به این طریقه و کیفیت به رسول خدا ﷺ خطاب نماید که عموی پیر

^{۶۹} . مدارک موضوع از کتب اهل سنت در کتاب الصحیح من سیرة النبی الاعظم ج ۳ فصل ۵ ص ۲۵۴ پاورقی ۱ ذکر گردیده است .

^{۷۰} . مدارک موضوع از کتب اهل سنت در کتاب الصحیح من سیرة النبی الاعظم ج ۳ ص ۲۵۴ پاورقی ۲ ذکر گردیده است .

^{۷۱} . الصحیح من سیرة النبی الاعظم ج ۳ فصل ۵ ص ۲۳۶ و ۲۵۴ .



گمراه تو مرد ، امری است که با رعایت ادب در خطاب به محضر رسول خدا ﷺ نمی‌سازد و هماهنگ نیست . . . و ممکن نیست کسی احتمال دهد از علی ﷺ کلامی صادر شده باشد که منافی آداب معاشرت با رسول خدا ﷺ یا غیر ایشان باشد .

حضرت ابوطالب ﷺ و نماز

☞ اهل سنت می‌گویند : از احدی نقل نشده است که ابوطالب ﷺ نماز می‌خوانده است و با نماز مؤمن از کافر شناخته شده و تشخیص داده می‌شود ، ما در جواب می‌گوییم :

۱ . همانا در مورد بسیاری از صحابه پیامبر ﷺ نقل نشده که نماز می‌خوانده‌اند ، آیا با صرف عدم نقل ممکن است نسبت به آنان حکم نمود که آنان مسلمان نبوده‌اند ؟ روشن است که عدم نقل این مطلب دلالت بر نماز نخواندن آنان نمی‌کند .

۲ . در این زمینه روایتی از امیرالمؤمنین ﷺ آمده است که حضرت می‌فرمایند :

به خدا قسم پدرم ابوطالب و جدم عبدالمطلب و هاشم و عبد مناف هرگز بتی را عبادت نکرده‌اند . به حضرت گفته شد : آنان چه چیزی را عبادت می‌کرده‌اند ؟

فرمودند : آنان به سمت خانه کعبه به شیوه حضرت ابراهیم ﷺ نماز می‌خواندند و به آیین حضرت ابراهیم ﷺ معتقد بوده و عمل می‌نمودند^{۷۲} .

۳ . وقتی که مثل ابوطالب همانند مثل مؤمن آل فرعون باشد که ایمانش را کتمان

^{۷۲} . العلوی ﷺ : والله ما عبد أبي ولا جدی عبدالمطلب ولا هاشم ولا عبد مناف صنماً قط . قيل له فما كانوا يعبدون ؟ قال : كانوا



می کرد و مأمور به تقیّه بود ، بر ماست که توقّع نداشته باشیم جناب ابوطالب علیه السلام نماز یا سایر شعائر دینی را در ملاء عام جلوی مردم آشکارا انجام دهد که این کار با کتمان ایمان ایشان سازگاری ندارد .

نامه به منصور دوانیقی

➔ اهل سنت گمان می کنند محمد بن عبدالله بن حسن ^{۷۳} نامه ای به منصور دوانیقی نوشته است و او در آن نامه با کمال افتخار می گوید : من پسر بهترین نیکانم و پسر بدترین بدانم ^{۷۴} . و این نامه ای است ^{۷۵} که موجب توقّف ابن ابی الحدید معتزلی درباره ایمان ابوطالب علیه السلام شده است ، همچنان که در شرح نهج البلاغه اش آن را ذکر نموده است ^{۷۶} . می گوئیم :

^{۷۳} . محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن ابی طالب ملقب به نفس زکیه از اصحاب امام صادق علیه السلام است که ادعای خلافت نمود و بر ضد حکومت منصور قیام کرد تا این که در سال ۱۴۵ هـ . ق در شهر مدینه به دستور منصور به قتل رسید . در مورد شخصیت نفس زکیه بین علماء اختلاف است جمعی مانند علامه مامقانی او را مذمت نموده و قیام او را مورد تأیید امام صادق علیه السلام نمی دانند و برخی مانند سید بن طاووس رفتار بنی الحسن را توجیه نموده و روایات ذم را حمل بر تقیّه می نمایند .

^{۷۴} . أنا ابن خیر الأخیار و أنا ابن شرّ الأشرار .

^{۷۵} . بعضی می گویند : راوی این رساله و نامه عثمان بن سعید بن سعد مدنی است که از راویان مجهول الحال می باشد .

ابوطالب مؤمن قریش ، وقفه مع الحدیدی ص ۲۹۴

طبری گوید : او در نقل روایات دارای اسنادی است که به آنها اعتبار و اعتمادی نیست . افراد متبّع و محقق در اخبار ، تصدیق خواهند کرد که این رساله از جعلیات معاویه و اتباع او است و به هر حال اعتمادی به آن نیست .

ابوطالب یگانه مدافع اسلام پاورقی ص ۸۲

^{۷۶} . ابن ابی الحدید می گوید : من در ایمان ابوطالب نمی توانم اظهار نظر کنم مطلب مشکل و پیچیده ای است ، روایات درباره ایمان ابوطالب علیه السلام مختلفند و خداوند دانایانتر به حال اوست . . . به خاطر دارم که محمد بن عبدالله بن حسن بن امام حسن مجتبی



۱. همانا ابوطالب عليه السلام بدترین بدان نبود زیرا که ایشان بدتر از ابولهب ، ابوجهل ، و از ابن ملجم و شمر . . . نیست .
۲. این دروغی آشکار و کذب محض است ، آیا صدور آن از کسی که مردم را به بیعت با خودش فرا می خواند ممکن است ؟ چه معنایی دارد که انسانی به این افتخار نماید که او پسر شرّ الأشرار است . آیا چنین سخنی مایه فخر برای احدی است ؟
۳. در روایت ظهوری وجود ندارد که دلالت نماید مقصود از این کلام حضرت ابوطالب عليه السلام باشد ، چرا که ممکن است مقصود از آن طلحة بن عبیدالله ، پدر ام اسحاق جدّه محمد بن عبدالله بن حسن باشد . یا ممکن است مراد زمعة بن أسود یا عبدالعزّی یا غیر آنان از اجدادش باشد .
۴. به چه دلیل ابن ابی الحدید معتزلی گواهی و شهادت محمد بن عبد الله بن حسن را که در اواسط قرن دوم هجری کشته شده را قبول می کند ولی گواهی و شهادت امام امیرالمؤمنین عليه السلام را در حق پدرش نمی پذیرد که حضرتش عليه السلام می فرماید : قسم به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری مبعوث کرد اگر پدرم شفاعت هر گنهکاری را که روی زمین است بنماید ، خداوند شفاعتش را قبول می کند .

ملقب به نفس زکیه به منصور دوانیقی نامه ای نوشته است و در آن مکاتبه چنین آمده است که : من فرزند بهترین نیکان و بدترین بدان هستم ، من فرزند آقای بهشتیان و آقای دوزخیان می باشم . این نامه حاکی از آن است که محمد بن عبدالله گواهی بر کفر ابوطالب عليه السلام داده است با این که او از ذریه ابوطالب است و از این رو مورد اتهام نیست و از طرفی زمان او به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نزدیک بوده است و مدت طولانی از زمان رسول الله صلی الله علیه و آله نگذشته بود تا بگوئیم خبر محمد بن عبد الله بی اساس



و نیز روایات دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام در حق پدرشان نقل شده است^{۷۷}، چه برسد به شهادت و گواهی امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام درباره ایمان ابوطالب علیه السلام که در منابع روایی ذکر شده است.

آیا زمان این امامان معصوم علیهم السلام به ابوطالب علیه السلام نزدیک تر از زمان عبدالله بن حسن به جناب ابوطالب علیه السلام نبوده است...؟^{۷۸}

سر تکفیر حضرت ابوطالب علیه السلام

آن کسانی که در طول تاریخ ابوطالب علیه السلام را تکفیر کرده اند به سبب دلایل گوناگونی اقدام به چنین عمل رذیلانه ای نموده اند مانند :

۱. ابوطالب علیه السلام پدر علی علیه السلام است پس برای دشمنی با علی علیه السلام هم که شده، باید فضیلت ایمان پدرش به رسول الله صلی الله علیه و آله را از او گرفت.

۲. پدر خلفای راشدین (غیر از علی علیه السلام) همگی کافر و مشرک بودند، اگر ابوطالب علیه السلام مؤمن معرفی و مطرح می گشت از آنان سلب حیثیت شده و برای علی علیه السلام شأن و رتبه بالاتری قائل شده اند.

۳. یکی از فعالیت های اساسی و اهداف عمده امویان به ویژه معاویه علیه الهاویه نابودی مفاخر بنی هاشم و محو آثار حسنه آنان بوده است، چنانچه در همان زمان ها طی بخشنامه ای در سراسر دنیای اسلام تحت سلطه بنی امیه نامگذاری نوزادان پسر به نام

^{۷۷}. به عنوان نمونه می توانید به کتاب الغدیر ج ۷ ص ۳۸۶ تا ۳۸۸ ح ۲ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ مراجعه نمایید.

^{۷۸}. برگرفته از ابوطالب مؤمن قریش، وقفه مع الحدیدی ص ۲۹۳ تا ۳۰۰.



علی اکیداً ممنوع می گردد.^{۷۹}

شریعتی و ابوطالب علیه السلام

شریعتی در اسلام شناسی خود حضرت ابوطالب و عبدالمطلب علیه السلام را بت پرست قلمداد نموده و چنین نوشته است :

این بار نیز تاریخ ید بیضای دیگری می نماید ، محمد در دامان بت پرستی رشد می کند ، درست است که مورخین اسلام همه می کوشند تا دامان عبدالمطلب و ابوطالب را از شرک پاک سازند و این یک تمایل عمومی است که انسان دوست دارد قهرمان گرامی و مورد احترامش از خاندانی پاک ، شریف و محترم باشد . همه قهرمانان ملّی و اساطیری یا از خدایانند یا لااقل از خاندان اُمرأ و قهرمانان ، و این به صورت یک اصل کلی در تراژدی و حماسه در آمده است . عبدالمطلب هر چند مردی است مهربان ، محترم و شریف ولی نمی توان انکار کرد که پرده دار کعبه و ساقی بت پرستان و پاسدار بتان و متولّی رسمی بت خانه است و محمد که باید به زودی این بت ها را یکایک فرو ریزد ، در خانه وی بزرگ می شود.^{۸۰}

پاسخ شریعتی و معرفی کتاب

شکی در ایمان ابوطالب علیه السلام نیست حال آن که ثابت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاطر عمومی خود ، حضرت ابوطالب علیه السلام هنگام وفات غمگین شدند و سال وفات حضرت

^{۷۹} . ابوطالب تجلی ایمان ص ۱۶۵ .

^{۸۰} . بررسی و نقد اندیشه شریعتی ص ۵۴ و ۵۵ . اسلام شناسی ص ۴۶۲ سطر ۱۳ .



ابوطالب علیه السلام سال غصّه‌ها نامیده شد . و این مطلب در بین تاریخ نگاران شیعه و سنی مورد اتفاق می‌باشد . و رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مرگ کافر محزون نمی‌شوند و سخن در این موضوع مفصل است .

کتاب‌هایی درباره حضرت ابوطالب علیه السلام نوشته شده که ایمان ابوطالب تألیف شیخ عبدالله خنیزی از آن جمله است ، حتماً به این کتاب مراجعه کن که آن چه می‌خواهی در آن وجود دارد و برایت مفید خواهد بود ^{۸۱} .

... کتب فراوانی از طرق فریقین ^{۸۲} در اثبات ایمان حضرت ابوطالب و حضرت عبدالمطلب علیه السلام به رشته تحریر درآمده است و ما نیز به نوبه خود در کتاب : پرتوی از سیمای تابناک ابوطالب علیه السلام ، چهل دلیل بر اثبات ایمان ابوطالب علیه السلام ذکر نموده‌ایم . برای تیمّن و تبرک تنها به ذکر یک حدیث ^{۸۳} از امیرمؤمنان علیه السلام ذیلاً اکتفا می‌نماییم :

... به خدا قسم که پدرم و جدّم عبدالمطلب و هاشم و عبدمناف ، هیچ گاه بتی را نپرستیدند ، به آن حضرت عرضه داشتند ، پس چه چیزی را عبادت می‌نمودند ؟

فرمود : آن‌ها به سوی خانه کعبه نماز می‌خواندند و تمسک به آیین حضرت ابراهیم علیه السلام

^{۸۱} . آیت الله تبریزی : لاشک فی ایمان ابي طالب علیه السلام ، و قد حزن رسول الله صلی الله علیه و آله علی عمّه ابي طالب علیه السلام عند وفاته و سمی عام وفاته عام الأحزان ، و هذا مجمع علیه عند المؤرخين من الفريقين ، و رسول الله صلی الله علیه و آله لا یحزن علی موت الکافر . والحديث فی هذا الموضوع مفصل و قد کتبت فيه کتب ، فمنها ایمان ابي طالب للشيخ عبدالله الخنیزی ، فعلیک بمراجعتہ و فیہ ما ترید و ینفعک والله الموفق .

صراط النجاة ج ۹ ص ۲۶ س ۵۲

^{۸۲} . شیعه و سنی .

^{۸۳} . احادیث فراوانی در پیام دین (حضرت ابوطالب علیه السلام ج ۱) مطرح شد .



استفتائات

س : نظر حضرت عالی در مورد کتاب‌های دکتر علی شریعتی چیست ؟

ج : محتوی بر انحرافات است اعاذنا الله منها ^{۸۶}.

س : نظرات خود را درباره علی شریعتی و کتاب‌هایش بیان بفرمایید . . .

ج : کتاب‌های ایشان مشتمل بر امور باطله‌ای است و برای کسی که نمی‌تواند آن‌ها را

تشخیص بدهد و احتمال ضلالت و گمراهی می‌دهد ، خواندنش اشکال دارد ^{۸۷}. من مشاهده

می‌کنم که بعضی از کتب غیر مرتبط به حوزه ، مانند کتب شریعتی را در بین طلاب

ترویج می‌کنند که این امر جایز نیست و داخل کردن افکار چنین افرادی به حوزه ، خیانت

به آن‌ها است ، مگر آن‌که بخواهید مطالعه کنید تا آن‌ها را رد نمایید . . . کتاب‌های وی

مشتمل بر مطالب غیر صحیحی است که مجال تفصیل آن‌ها نیست ، خواندن کتب شخص

مذکور ، تزییع عمر است ^{۸۸، ۸۹}.

^{۸۴}. العلوی علیه السلام : والله ما عبد أبي ولا جدی عبدالمطلب ولا هاشم ولا عبد مناف صنماً قطّ ، قيل له : فما كانوا يعبدون ؟ قال : كانوا

يصلّون الى البيت على دين ابراهيم عليه السلام متمسكين به .
الغدیر ج ۷ ص ۳۸۷

^{۸۵}. بررسی و نقد اندیشه شریعتی ص ۵۵ .

^{۸۶}. آیت الله سید محمد حسینی شاهرودی ، استفتائات ص ۳۹۲ س ۱۵۲۲ .

^{۸۷}. آیت الله تبریزی ، استفتائات جدید ج ۲ ص ۴۷۱ س ۱۹۰۹ .

^{۸۸}. آیت الله تبریزی ، کتاب نصایح ، درس‌های برگرفته از زی طلبگی و آداب تعلیم و تعلم (فارسی) ص ۸۷ و ۱۴۱ .

^{۸۹}. جهت آشنایی با انحرافات شریعتی ، می‌توانید به کتاب : بررسی و نقد اندیشه شریعتی تألیف خیرالله مردانی ، مراجعه بفرمایید .



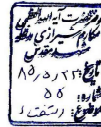
منابع ج ۱ تا ۴

- ابن عربی سنّی متعصب . سید جعفر مرتضی حسینی عاملی چاپ اول ۱۴۲۴ هـ . ق المركز الاسلامی للدراسات بیروت .
- ابوطالب تجلی ایمان ، سید مجید پورطباطبایی چاپ دوم ۱۳۷۵ .
- ابوطالب مؤمن قریش ، عبدالله شیخ علی خنیزی چاپ پنجم ۱۴۱۸ ق مؤسسه البلاغ بیروت لبنان .
- ابوطالب یگانه مدافع اسلام ، آیت الله شیخ محمد رضا طیبسی ترجمه محمد مهدی اشتهازی انتشارات قائم ، تهران .
- استفتائات آیت الله سیدمحمد حسینی شاهرودی چاپ دوم ۱۳۸۸ ش چاپخانه ظهور ناشر : آل المرتضی .
- استفتائات جدید ج ۲ آیت الله تبریزی چاپ اول ۱۳۸۵ ش چاپ ستاره انتشارات سرور .
- استفتائات خصوصی کتبی از مراجع عظام تقلید ، مؤلفین نشریه پیام دین .

به قلم سید صادق حسینی شیرازی
 در روز جمعه ۱۳۳۳ هـ قمری
 در شهر قم
 در کتابخانه حضرت ابوطالب
 علیه السلام



بسم تعالی - اسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
 صواب - محور درس و تدریس باید قرآن مجید و شریعت آن، غیر از این نیست و صحیح است که
 روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام با سایر تالیفات کتب حدیث و تفسیر و
 موفقیت و هداایت نموده اند و شکر خداوند را بجا آورده اند.



حج ۱ - کتابها موضوعات آن در لاجرم مورد قبول است
 آقا تهرانی و جناب آقا مراد و صاحب کتب
 محبتاً فرموده اند که آنها مؤمن است =

بسم تعالی
 این جناب در ارتباط با معارف اعتقادی در روش کارهای امامیه (قدس سره) است
 که مطابق با آیات قرآن مجید و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است
 معتقد بوده و روش فوق الذکر را تأیید نمودیم .
 محمد باقر
 ۸ / محرم الحرام
 ۱۳۳۳ هـ

در روز جمعه ۱۳۳۳ هـ قمری
 در شهر قم
 در کتابخانه حضرت ابوطالب
 علیه السلام

- ☑ از تمامی عزیزانی که در گردآوری مجموعه پیام دین تاکنون همکاری نموده‌اند ، تقدیر و تشکر می‌نمایم ، به خصوص برادر ارجمند و گرامی جناب حجة الإسلام محمد قاضی زید عزه الشریف .
- اسلام شناسی علی شریعتی چاپ طوس مشهد دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار علی شریعتی شماره ثبت دفتر نگارش اداره کل فرهنگ و هنر خراسان ۹۲ - ۱۱ / ۱۰ / ۴۷ .
- احیاگر عرفان ، پژوهشی در زندگی و مذهب محی الدین بن عربی . محمد بدیعی چاپ دوم ۱۳۸۴ مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی پازینه .
- اربعین علامه مجلسی .
- آسنی المطالب فی نجات ابی طالب تألیف : سید احمد بن زینی دحلان .
- اصول کافی ثقة الإسلام محمد بن یعقوب کلینی رحمته الله ج ۱ چاپ اول ۱۳۷۶ هـ . ش ناشر : دارالأسوة للطباعة و النشر .
- أعيان الشيعة سیدمحمسن امین دارالتعارف للمطبوعات بیروت ۱۴۰۳ هـ . ق .
- الاعتقادات الصدوق أبی جعفر محمد بن علی بن الحسين بن بابويه القمي چاپ اول ۱۳۸۹ ش ناشر : مؤسسة الإمام الهادی عليه السلام .



- الإصابة في تمييز الصحابة چاپ اول ۱۳۲۸ هـ. ق. مطبعة السعادة تأليف : ابن حجر العسقلاني .
- البداية و النهاية دارالكتب العلمية بيروت تأليف : ابوالفداء الحافظ ابن كثير الدمشقي .
- الجامع الصحيح المسمى صحيح مسلم تأليف : أبوالحسين مسلم قشيري نيشابوري دارالجيل و دارالآفاق الجديدة بيروت .
- الحكمة المتعالية في الأسفار العقلية الأربعة صدرالدين محمد شيرازی ج ۲ چاپ پنجم ۱۳۹۳ هـ. ش چاپخانه گل وردی منشورات طليعة النور .
- الخرائج و الجرائح ج ۲ قطب الدين راوندى سعيد بن هبة الله ناشر : مؤسسه امام مهدي عليه السلام ۱۴۰۹ ق م .
- الصحيح من سيرة النبي الاعظم تأليف : سيد جعفر مرتضى عاملی چاپ چهارم ۱۴۱۵ ق دارالهادی للطباعة و النشر بيروت ، لبنان .
- الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف تأليف : سيد بن طاووس رحمته الله مطبعة خيام قم ۱۴۰۰ ق .
- الغدير ، علامه اميني رحمته الله دار الكتب الاسلامية چاپ دوم ۱۳۶۶ .
- المنجد في اللغة و الأعلام چاپ بیستم دارالمشرق بيروت لبنان .
- أمالی شيخ صدوق رحمته الله مترجم كريم فيضي چاپ سوم زمستان ۱۳۸۷ ش چاپخانه عمران انتشارات تهذيب .
- امامت و رهبری ، استاد مطهری چاپ سیزدهم پاییز ۱۳۷۱ چاپ فجر انتشارات صدرا .
- الهی نامه فریدالدين عطار نيشابوري به تصحيح فؤاد روحانی چاپ هفتم پاییز ۱۳۸۳ چاپ مؤسسه نشاط انتشارات زوآر
- انسان کامل مرتضى مطهری چاپ ۳۸ شهریور ۱۳۸۵ ناشر : انتشارات صدرا .
- ايمان أبی طالب معروف به الحجة على الذاهب الى تكفير أبی طالب ، أبی على فخار بن معد موسوی با تحقيق سيد محمد بحرالعلوم چاپ دوم ۱۳۸۴ هـ. ق منشورات مكتبة النهضة بغداد .
- آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی چاپ چهارم ۱۳۸۱ مؤسسه فرهنگی طه رضابرنج کار .
- آوای توحيد چاپ سوم ۱۳۷۲ .
- بحارالانوار علامه مجلسی رحمته الله دارالكتب الاسلامية تهران .
- بررسی و نقد اندیشه شریعتی ، خيرالله مردانی چاپ اول ناشر : سپهر آذین قم .
- بشارات الشيعة ملامحسن فيض كاشانی .
- تنبيه الغافلين و ايقاظ الراقدین علامه آقا محمود بن آقا محمد علی بهبهانی چاپ اول ذيقعدة ۱۴۱۳ ق چاپ فروردين انتشارات انصاريان قم .
- پله پله تا ملاقات خدا دکتر عبد الحسين زرین کوب چاپ اول .
- تاريخ الخميس في أحوال أنفس نفيس مؤسسه شعبان للنشر والتوزيع بيروت تأليف : حسين ديار بكری .



- تاریخ روضه الصفا فی سیره الأنبياء و الملوك و الخلفاء چاپ اول ۱۳۸۰ انتشارات أساطير با تصحيح و تعليق جمشيد كيان فر تالیف : محمد بن خاوند شاه معروف به مير خاوند .
- تحفة الأخيار مولی محمد طاهر قمی رحمته با تصحيح و مقدمه داود الهامی چاپ اول زمستان ۱۳۶۹ ناشر : مدرسة الإمام أميرالمؤمنين عليه السلام مطبوعاتی هدف .
- تذكرة الخواص معروف به تذكرة خواص الأمة فی خصائص الأئمة تالیف : سبط بن الجوزی با مقدمه سيدمحمد صادق بحر العلوم .
- تفسير سورة مبارکه حمد . سيد عزالدين زنجانی چاپ اول ۱۳۸۳ مؤسسه بوستان كتاب قم .
- تفسير نمونه آيت الله مكارم شيرازی دارالكتب الاسلامیة ۱۳۶۳ .
- تفسير و نقد و تحليل مثنوی چاپ نهم ۱۳۶۳ انتشارات اسلامی علامه محمد تقی جعفری .
- تنزيه المعبود فی الردّ علی وحدة الوجود چاپ اول ۱۳۸۳ مؤسسة السيدة المعصومة سيد قاسم علی احمدی .
- تهذيب الاحكام فی شرح المقنعة شيخ طوسی رحمته دار صعب و دارالتعارف للمطبوعات بيروت ۱۴۰۱ ق .
- جلوه حق آيت الله مكارم شيرازی چاپ چهارم ۱۳۸۷ هـ . ش انتشارات نسل جوان قم .
- حديقة الشيعة علامه مقدس اردبیلی رحمته چاپ دوم ۱۳۶۱ ش انتشارات گلی .
- حق اليقين علامه سيدعبدالله شبر رحمته چاپخانه عرفان صيدا ۱۳۵۲ ق .
- حيوة القلوب ج ۳ علامه محمدباقر مجلسی رحمته چاپ هفتم ۱۳۸۶ ش چاپ ستاره انتشارات سرور .
- خدمات متقابل اسلام و ايران مرتضى مطهری ج ۲ چاپ دوم اسفند ماه ۱۳۶۰ ناشر : دفتر انتشارات اسلامی قم .
- خط سوم چاپ نهم ۱۳۶۸ مؤسسه مطبوعاتی عطایی دکتر ناصر الدين صاحب الزمانی .
- خيراته در ابطال طريقه صوفيه آقا محمد علی بن علامه وحيد بهبهانی رحمته ج ۲ مؤسسه علامه مجدد وحيد بهبهانی .
- دریای عرفان شرح حال سيد علی قاضی طباطبائی . هادی هاشمیان چاپ اول ۱۳۷۹ ناشر مؤسسه فرهنگی طه .
- دست‌های ناپیدا ، خاطرات مستر همفر ترجمه احسان قرنی چاپ هفتم ۱۳۸۶ نشر گلستان کوثر .
- دومین یادنامه علامه طباطبائی چاپ اول ۱۳۶۳ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ايران .
- دیدگاه‌های علمی آیت الله سيدمحمدهادی میلانی چاپ اول ۱۳۸۴ ش مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی بنياد پژوهش‌های اسلامی .
- راه رستگاری ، آیت الله سيد عزالدين حسینی زنجانی چاپ سوم ۱۳۸۸ ش چاپ و نشر : مؤسسه بوستان كتاب .
- رساله الإثنی عشریه علامه شيخ حر عاملی رحمته چاپ سوم ۱۳۸۱ هـ . ش ناشر : مكتبة المحلاتی .
- رساله در تحقيق احوال زندگانی مولانا جلال الدين محمد مشهور به مولوی تالیف بدیع الزمان فروزان فر چاپ چهارم ۱۳۶۱ .
- رساله سپهسالار تالیف فریدون بن احمد سپهسالار با تعليقات محمد افشین وفايي انتشارات سخن چاپ اول ۱۳۸۵ .
- روح مجرد محمد حسين طهرانی چاپ ششم ۱۴۲۱ ق انتشارات طباطبائی مشهد .



- روزنامه جمهوری اسلامی چهارشنبه ۱۳۸۶/۸/۹ صفحه شهرستان .
- روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات ج ۸ العلامة میرزا محمد باقر موسوی خوانساری تحقیق اسد الله اسماعیلیان چاپخانه مهر ، انتشارات اسماعیلیان .
- ریحانة الأدب فی تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب (کنی و ألقاب) چاپ سوم چاپخانه شفق تبریز تألیف : علامه میرزا محمدعلی مدرس .
- زندگی و آثار مولانا جلال الدین رومی تألیف افضل اقبال ترجمه حسن افشار چاپ اول ۱۳۷۵ نشر مرکز .
- سفینه البحار شیخ عباس قمی ج ۱ و ۲ و ۵ چاپ اول ۱۴۱۴ هـ.ق. ناشر : دارالأسوة للطباعة و النشر .
- سفینه النجاة ، شیخ الإسلام علامه مولی محمد طاهر قمی رحمته چاپ اول تابستان ۱۳۷۳ چاپ شفق انتشارات نیک معارف .
- سماع چاپ اول ۱۳۸۲ انتشارات زریاب ابوالقاسم تفضلی .
- سماع ، عرفان و مولوی تألیف سید محمد علی مدرس طباطبایی چاپ اول ۱۳۷۸ شرکت انتشارات یزدان .
- سوگنامه آل محمد چاپ پانزدهم ۱۳۷۹ انتشارات ناصر محمد محمدی اشتهاردی .
- سه رساله در نقد عرفان میرزای قمی ابوالقاسم بن حسن گیلانی چاپ اول ۱۳۸۸ چاپ زیبانگار بنیاد پژوهش‌های اسلامی .
- شرح کبیر انقروی بر مثنوی مولوی چاپ اول ۱۳۷۴ انتشارات زرین ترجمه از عصمت ستار زاده ، تألیف : اسماعیل انقروی .
- شرح فصوص الحکم داوود قیصری به کوشش سید جلال الدین آشتیانی چاپ اول ۱۳۷۵ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی .
- شرح مبسوط منظومه مرتضی مطهری ج ۱ چاپ ششم زمستان ۱۳۶۹ ناشر : انتشارات حکمت .
- شرح مقدمه قیصری در عرفان اسلامی ، سیدجلال آشتیانی انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم چاپ دوم ۱۳۷۰ .
- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید دار إحياء الكتب العربية با تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم .
- صحیح البخاری با مقدمه احمد محمد شاکر دارالجلیل بیروت .
- صحیح مسلم بشرح النووی ج ۱ و ۳ مسلم بن الحجاج القشیری ناشر دارالکتب العربی بیروت لبنان ۱۴۰۷ ق ، ۱۹۸۷ م .
- صراط النجاة ج ۹ آیت الله میرزا جواد تبریزی چاپ اول ۱۴۲۹ ق چاپخانه شریعت دارالصدیقة الشهیدة علیها السلام .
- صراط النجاة ج ۱۲ آیت الله میرزا جواد تبریزی چاپ اول ۱۴۲۶ ق ۱۳۸۴ ش چاپخانه شریعت دارالصدیقة الشهیدة علیها السلام .
- عارف و صوفی چه می‌گویند ؟ آیت الله حاج میرزا جواد آقا تهرانی چاپ اول ۱۳۹۰ ش نشر آفاق .
- عرفان حافظ مرتضی مطهری چاپ ۲۱ آذر ۱۳۸۳ ناشر : انتشارات صدرا .
- عرفان حقیقی دکتر علی رضا فقیهی چاپ اول ۱۳۸۵ نشر حاذق .
- عین الحیات علامه محمد باقر مجلسی رحمته ج ۲ چاپ اول بهار ۱۳۸۲ ناشر : انتشارات انوارالهدی .
- عیون اخبارالرضا شیخ صدوق رحمته ترجمه و تحقیق : محمد رحمتی شهرضا ج ۲ چاپ هشتم پاییز ۱۳۹۳ ناشر : پیام علمدار .



- فتوحات مکیه ۸ جلدی ، محیی الدین بن عربی با مقدمه محمود مطرجی ، انتشارات دارالفکر ۱۴۲۷ ، ۱۴۲۸ ق بیروت لبنان .
- فرهنگ فارسی دکتر محمد معین مؤسسه انتشارات امیر کبیر چاپ نوزدهم ۱۳۸۱ .
- فصوص الحکم تألیف ابن عربی با تعلیقه ابوالعلاء عقیفی دارالکتب العربی بیروت .
- فصوص الحکم تألیف ابن عربی با شرح ملاعبدالرحمن جامی چاپ اول ۱۴۲۵ ق دارالکتب العلمیه بیروت لبنان .
- قصص العلماء میرزا محمد تنکابنی چاپ دوم تابستان ۱۳۶۴ چاپ تابش ناشر : انتشارات علمیه اسلامیة .
- کشف الإشتباه در کجروی اصحاب خانقاه ، علامه حاج شیخ ذبیح الله محلّاتی چاپ اول ۱۳۸۹ ناشر : نسیم ظهور .
- کلیات شمس تبریزی مقدمه بدیع الزمان فروزانفر چاپ اول ۱۳۷۴ ناشر : بوستان کتاب .
- کلیات علوم اسلامی مرتضی مطهری ج ۲ چاپ ۲۹ مرداد ۱۳۸۴ هـ . ش انتشارات صدرا .
- کلیات مثنوی به قلم عبدالرحیم افشاری زنجانی از انتشارات کتاب فروشی اسلامیة .
- مثنوی هفت اورنگ انتشارات کتاب فروشی سعدی با تصحیح و مقدمه مرتضی مدرس گیلانی مؤلف عبدالرحمن جامی خراسانی .
- مثنوی معنوی مولوی مطابق با نسخه رینولد نیکلسون با مقدمه بدیع الزمان فروزانفر حواشی م . درویش چاپ دهم ۱۳۷۴ ناشر : سازمان انتشارات جاویدان .
- مثنوی مولوی چاپ اول ۱۳۷۳ تحقیق توفیق هـ . سبحانی سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی .
- مثنوی ولدی بیحر خفیف معروف به ولد نامه ، سلطان ولد فرزند مولوی با مقدمه و تصحیح و حاشیه نگاری جلال همایی مطبعه اقبال تهران ۱۳۱۵ .
- مجالس سبعة هفت خطابه ، مولانا جلال الدین رومی (مولوی) با تصحیح و توضیحات توفیق هـ . سبحانی چاپ اول ۱۳۶۵ انتشارات کیهان .
- مجله مکتب وحی سال اول شماره سوم بهمن ۱۳۸۶ .
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول علامه مجلسی رحمته چاپ دوم ۱۳۶۳ دارالکتب الاسلامیة .
- مسند احمد بن حنبل ناشر : المکتب الاسلامی للطباعة و النشر و دار صادر للطباعة و النشر بیروت .
- معارف دین ج ۱ چاپ نهم پاییز ۱۳۸۵ چاپ ثامن الحجج ع ناشر : دفتر معظم له .
- مفاتیح الجنان ، حاج شیخ عباس قمی رحمته چاپ چهاردهم ۱۳۸۰ انتشارات آستان قدس رضوی .
- ممدّ الهمم در شرح فصوص الحکم حسن زادة آملی چاپ سوم ۱۳۸۵ سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی .
- مناقب العارفین ، شمس الدین احمد الأفلاکی العارفی با تصحیحات و حواشی و تعلیقات به کوشش تحسین یازجی چاپخانه و انتشارات انجمن تاریخ ترک آنقره ۱۹۵۹ دوره ۳ شماره ۳
- منهاج البراعة شرح نهج البلاغه ، المحقق العلامة الحاج میرزا حبیب الله الهاشمی الخوی رحمته ج ۱۴ چاپ سوم ۱۳۷۹ ق با تصحیح



سید ابراهیم میانجی انتشارات کتاب فروشی اسلامیه .

• منية الراغب في ايمان أبي طالب عليه السلام محمد رضا طبسي نجفی چاپ اول ۱۳۹۴ هـ. ق مطبعة مهراستوار .

• مولانا جلال‌الدین تألیف عبد الباقی گولپینارلی با ترجمه و توضیحات دکتر توفیق سبحانی مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی
۱۳۶۳ .

• نصابی، درس‌های برگرفته از زیّ طلبگی و آداب تعلیم و تعلم آیت الله میرزا جواد تبریزی چاپ اول ۱۴۳۰ ق ۱۳۸۸ ش چاپ
نینوا، دارالصدیقة الشهيدة علیها السلام .

• نقدی بر مثنوی آیات عظام میرزا علی‌اکبر مصلائی یزدی و سید جواد مدرسی یزدی چاپ اول پاییز ۱۳۷۵ انتشارات انصاریان .

• نهج البلاغه مترجم محمد دشتی چاپ هفتم ۱۳۷۹ نشر مشرقین .

• ینابیع المودة مؤسسة الأعلمی للمطبوعات بیروت تألیف : سلیمان قندوزی .



فهرست

- ۱ ۱۵ • حدیث انذار ابن حجر ، ابن کثیر ، ابن عربی ، مولوی و ۱۵
- ۲ ۱۶ • بررسی این حدیث دیدگاه سوم اهل تسنن ۱۶
- ۳ ۱۷ • اهل تسنن و حضرت ابوطالب علیه السلام ترجمه شعر ابن ابی الحدید ۱۷
- ۴ ۱۸ • دیدگاه اول اهل تسنن مراسم دفن حضرت ابوطالب علیه السلام ۱۸
- ۵ ۱۹ • احمد بن زینی دحلان نامه امیرالمؤمنین علیه السلام ۱۹
- ۶ ۱۹ • دشمنی با ابوطالب علیه السلام کفر است اندوه عظیم پیامبر صلی الله علیه و آله ۱۹
- ۶ ۲۰ • دشمنی با ابوطالب علیه السلام موجب آزار پیامبر صلی الله علیه و آله تحریف یک روایت ۲۰
- ۷ ۲۲ • حضرت ابوطالب علیه السلام و تدبیر سیاسی با قریش نماز ۲۲
- ۹ ۲۳ • محمد بن رسول برزنجی نامه به منصور دوانیقی ۲۳
- ۱۰ ۲۵ • سلیمان قندوزی حنفی سر تکفیر حضرت ابوطالب علیه السلام ۲۵
- ۱۱ ۲۶ • اقرار خوانند شاه شافعی شریعتی و ابوطالب علیه السلام ۲۶
- ۱۲ ۲۷ • دیدگاه دوم اهل تسنن پاسخ شریعتی و معرفی کتاب ۲۷
- ۱۲ ۲۸ • دشمنی جامی با حضرت ابوطالب علیه السلام استفتائات ۲۸

نشریه پیام دین

مدیر مسئول : علی صادقی موحد
صاحب امتیاز : احمد سعید کریمی
طرح جلد : مجید علی پور

موضوع : حضرت ابوطالب ج ۴
تاریخ تألیف : اردیبهشت ماه ۱۳۸۷
تاریخ بازبینی : خرداد ۱۳۹۹